

تأملی در تبعات رشد کمی دوره کارشناسی معماری در دانشگاه‌های کشور

زهرا طاقی

عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان:

معماری، آموزش معماری، کیفیت آموزش، کمیت آموزش، دانشگاه‌های ایران

چکیده

مقدمه

نوشته‌ها و مقاله‌های ارائه‌شده در بیست‌وپنج سال گذشته در باب معماری کشورمان حاکی از آن است که اغلب اندیشه‌ورزان این عرصه ضمن بیان ارزش‌ها و ویژگی‌های معماری سنتی، بر هویت از دست‌رفته معماری‌مان حسرت خورده‌اند. در اغلب مقاله‌ها معماری بی‌هویت معاصر ما را، که نه روح سالمی دارد و نه کالبد سلامتی، با معماری گذشتگانمان که در اوج زیبایی و انسجام، و نیز کارایی و دقت و سلامت بوده است مقایسه و تلاش کرده‌اند بفهمند چرا و چگونه چنین شد. در مجموع همه از درد بسیار گفته‌ایم و هنوز راهی برای برون‌رفت از این درد و مشکل نیافته‌ایم.

یکی از وجوهی که برای جواب این پرسش مورد بحث قرار گرفته آموزش معماران است. دیری است که می‌دانیم آموزش در جامعه سنتی زودآغاز بوده است، با انتخابی آگاهانه غالباً از سوی شاگرد و استاد با هم؛ آموزشی رودررو و با همراهی استاد، در مقیاس واقعی،

در سال ۱۳۷۸ دوره کارشناسی ارشد پیوسته معماری به کارشناسی پیوسته معماری تغییر یافت. این امر روند راه‌اندازی رشته معماری را در دانشگاه‌های شهرستان‌ها، که از سال ۱۳۶۸ آغاز شده بود، تسهیل و تسریع کرد، به نحوی که در سال ۱۳۸۶ جمعاً تعداد ۳۲۰۹ دانشجو در دانشگاه‌های سراسری، دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دانشگاه آزاد و دانشگاه پیام نور در مقطع کارشناسی پذیرفته شدند.

رشد کمی و بسیار سریع دانشجویان معماری در دوره کارشناسی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا این رشد متضمن حد اقل کیفیت آموزشی نیز هست یا خیر؟

مقاله حاضر ضمن ارائه جمع‌بندی نظر تعدادی از صاحب‌نظران و مدرسان رشته معماری درباره محصول دوره کارشناسی معماری، به بررسی وضعیت دو مؤلفه تأثیرگذار بر کیفیت آموزشی این رشته یعنی طول دوره آموزش و توانایی کادر آموزشی دانشگاه‌ها می‌پردازد، و در انتها به نکاتی در جهت بهبود شرایط آن اشاره دارد.

پرسش‌های پژوهش

توانایی‌ها و ویژگی‌های مورد انتظار از فارغ‌التحصیل کارشناسی معماری چیست؟

صاحب‌نظران چه انتظاری از آموزش رشته معماری در مقطع کارشناسی دارند؟

عوامل مؤثر در محصول دوره کارشناسی معماری چیست و برنامه آن چگونه اجرا شده است؟

در حد گنجایش و استعداد شاگرد و توأم با پرورش فکری و اخلاقی او. چنین آموزشی با ظهور مدرنیسم در جوامع غربی و تشبیه بی‌اصالت جوامع شرقی به آن، بدل به نظام آموزشی دیرآغاز (هجده سالگی به بعد) شده است، با انتخابی مبهم و تاریک از هر دو سو، با استادان متعدد و به دور از فضای واقعی (در فضای مجازی و به روی کاغذ). آموزشی بدون توجه به گنجایش و استعداد شاگرد، و غالباً بدون اهتمام به پرورش شخصیتی و اخلاقی او!

به بیانی دیگر، شرایط آموزش معماری ما در حال حاضر چنین است: آموزش در هجده سالگی و با اتمام دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی آغاز می‌شود. اغلب داوطلبان و در نتیجه پذیرفته‌شدگان آشنایی چندانی با ماهیت رشته معماری ندارند. اکثر آنها قادر نیستند علاقه، انگیزه و استعداد خود را به این رشته، که در میان رشته‌های مهندسی بسیار متفاوت و بسیار ویژه است، محک بزنند. نظام آموزشی نظامی است واحدی و تحت مقرراتی خشک که تفاوت‌های فردی در آن لحاظ نمی‌شود. معضل آزمون سراسری دانشگاه‌ها قابلیت تحرک و تغییر رشته دانشجویان را بسیار محدود کرده است، و تقریباً اکثر قریب به اتفاق کسانی که وارد این رشته می‌شوند، فارغ‌التحصیل و با مدرک کارشناسی مهندسی معماری وارد بازار کار و فعالیت می‌شوند.

در حال حاضر دربارهٔ گزینش و پذیرش دانشجو، ساختار نظام آموزش معماری و ویژگی‌ها و شرایط آن سؤالات زیادی مطرح است: آیا تبدیل نظام آموزشی از سنتی به شکل حاضر گریزناپذیر بود؟ تا چه حد می‌توان با تدابیری بخشی از این شرایط را تغییر داد و بهبود بخشید؟ آیا می‌توان برای یافتن دانش‌آموزان علاقه‌مند و مستعد این رشته از سال‌های آخر دبیرستان زمینه‌سازی کرد؟ امکان دارد دوره پیش‌دانشگاهی را، که عملاً همان سال آخر دبیرستان است، به دوره‌های واقعی پیش‌دانشگاهی با عنایت ویژه به رشته‌های خاصی مانند معماری، تبدیل کرد که به دلیل تفاوتش با دیگر رشته‌های مهندسی به آموزش‌های خاص نیاز دارد؟ آیا می‌توان ساختار آموزشی این رشته را، با توجه به ویژگی‌های رشته، متحول کرد؟ و بسیاری سؤال‌های دیگر.

روشن است که پاسخ به این سؤالات مستلزم پژوهش‌های عمیق است. از آن مهم‌تر، اجرای پاره‌ای تغییرات به‌آسانی میسر نیست. اما موضوعی که

۱. تغییر دوره دبیرستان از چهار سال به سه سال و جایگزین کردن یک‌سال آخر با دوره پیش‌دانشگاهی متأسفانه در عمل تغییری صوری و شکلی شد و به لحاظ محتوا نسبت به دوره چهار ساله دبیرستان تغییری صورت نپذیرفت.

۲. این بخش از مقاله از گزارش طرحی پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های دانشجوی مناسب کارشناسی ارشد معماری» برگرفته شده که نگارنده در سال ۱۳۸۳ انجام داده است.

۳. رشته معماری تا سال ۱۳۷۸ در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت، یزد، پردیس اصفهان، گیلان و شیراز و ۵ واحد از واحدهای دانشگاه آزاد ارائه می‌شد که دوره کارشناسی ارشد معماری بود و دیگر دانشگاه‌ها دوره کاردانی معماری داشتند.

۴. گفتنی است که رشته معرفی شده در سه دانشگاه غیرانتفاعی، و با ظرفیت ۱۵۰ نفر، رشته معماری داخلی است.

۵. مشخص نیست چگونه رشته‌ای مانند معماری راه، که درس عملی محور آموزش آن است، می‌تواند با نظام آموزشی دانشگاه پیام نور سازگار کرد؟ و این در حالی است که در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ دانشگاه پیام نور ۸۱۵ دانشجو پذیرفته است.

۶. رک به: دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۸۶، گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی و گروه‌های آزمایشی هنر و زبان‌های خارجی.

گفتنی است که این آمار تعداد ظرفیت منعکس شده در دفترچه است؛ معمولاً به دلیل مساوی بودن نمره‌های بعضی از داوطلبان تعداد واقعی احتمالاً اندکی هم بیشتر است.

۷. گفتنی است که دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۳ اقدام به پژوهشی در جهت تغییر برنامه آموزشی دوره کرد که مصوب شد و از مهر ماه ۱۳۸۴ به اجرا در آمد.

اینکه چرا این تغییر صورت پذیرفت و محاسن و معایب آن چیست موضوع بحث دیگری است. اما پیامد مهم این جریان تسهیل راه‌اندازی این رشته در دانشگاه‌هایی بود که این رشته را نداشتند.^۳

نتیجه آنکه در حال حاضر (سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶) در ۱۹ دانشگاه دولتی ۷۱۴ دانشجو، در ۲۵ واحد دانشگاه آزاد ۱۴۸۰ دانشجو، در ۴ دانشگاه غیرانتفاعی ۲۰۰ دانشجو^۴ و در ۱۵ واحد از دانشگاه پیام نور ۸۱۵^۵ دانشجو و جمعاً ۳۲۰۹ نفر^۶ در رشته کارشناسی معماری پذیرفته شده‌اند.

این امر بدان معناست که ما هرساله با تعداد زیادی فارغ‌التحصیل کارشناسی معماری از دانشگاه‌های سراسر کشور مواجه هستیم.

تأملی در محصول این دوره، که به لحاظ کمیت بسیار افزایش یافته و سال به سال نیز رو به افزایش است، و نگاهی به آن از منظرهای گوناگون می‌تواند زمینه‌ساز شناخت جایگاه واقعی فارغ‌التحصیلان، گزینش مطلوب‌تر در کارشناسی ارشد و احیاناً تغییر در برنامه‌های این دوره باشد.^۷

بیش از چهار سال از فارغ‌التحصیل شدن اولین دوره‌های کارشناسی نمی‌گذرد و تعداد زیادی از دانشگاه‌هایی که اقدام به تأسیس این رشته کرده‌اند هنوز فارغ‌التحصیلی نداشته‌اند. بنابراین، بررسی محصول این دوره در ارتباط با عملکرد فارغ‌التحصیلان در عرصه حرفه در حال حاضر عملی نیست. بررسی جایگاه فارغ‌التحصیلان کارشناسی و حیطة فعالیت و نقش آنها در ساخت‌وسازهای کشور پژوهشی گسترده می‌طلبد. اما شاید بتوان با نگاهی به آنچه در حال اجراست و توجه به بعضی از نکات، و احیاناً اقدام در جهت رفع بعضی از چالش‌ها، نگرانی کمیت‌گرایی راه، که معمولاً با افت کیفیت همراه است، در این رشته کمی کاهش داد.

در حال حاضر دغدغه مضاعفی برای اندیشه‌ورزان معماری و آموزش آن شده است، حفظ حداقل کیفیت آموزش معماری با توجه به رشد کمی دانشجویان کارشناسی معماری در کشور است.

آیا می‌توان در همین شرایط فعلی، با وجود گزینش نامناسب و ساختار آموزشی نامطلوب، با توجه به عوامل مؤثر در محصول دوره کارشناسی معماری، با تغییر بعضی از مؤلفه‌های تأثیرگذار مانع افت بیشتر کیفیت آموزش معماری شد؟

نوشتار حاضر ضمن اشاره به راه‌اندازی کارشناسی معماری در بیشتر دانشگاه‌های کشور و رشد کمی دانشجویان معماری، به ارائه جمع‌بندی نظرها و انتظارات تعدادی از معماران و استادان سه دانشکده باسابقه معماری^۲ می‌پردازد، آن‌گاه به چالش دو مؤلفه تأثیرگذار بر محصول دوره اشاره می‌شود که تا حدودی با رشد کمی رشته تشدید شده است — طول دوره کارشناسی معماری و قابلیت و توانایی کادر علمی دانشگاه‌ها — و در انتها نیز چند پیشنهاد در جهت حفظ نسبی کیفیت آموزشی در مقطع کارشناسی معماری ارائه می‌شود.

راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی معماری

بیش از هشت سال است که دوره کارشناسی ارشد پیوسته معماری به کارشناسی تبدیل شده است. یعنی دوره کارشناسی ارشد پیوسته معماری که تا سال ۱۳۷۷ دوره تعریف شده‌ای برای رشته معماری در تمام دانشگاه‌های ایران بود و تنها رشته کارشناسی ارشد پیوسته در شاخه فنی مهندسی به شمار می‌آمد، حذف شده، و دانشگاه‌ها ملزم به پذیرش دانشجو در دوره کارشناسی معماری با برنامه جدید آموزشی شده‌اند. به این ترتیب دانشگاه‌های سراسری از سال ۱۳۷۸ و دانشگاه آزاد از سال ۱۳۷۹ دیگر در دوره پیوسته کارشناسی ارشد معماری دانشجو نگرفتند و دانشجویان این دانشگاه‌ها در دوره کارشناسی معماری پذیرش شدند.

محصول دوره کارشناسی از دیدگاه صاحب‌نظران

پیش از طرح دو عامل تأثیرگذار اشاره شده در کیفیت آموزشی دوره کارشناسی، خوب است ببینیم توقع و انتظار تعدادی از صاحب‌نظران از قابلیت و توانایی‌های فارغ‌التحصیل کارشناسی معماری چیست.

در پژوهشی که نگارنده در بهار و تابستان ۱۳۸۳ با هدف برگزاری بهینه آزمون تحصیلات تکمیلی (آت) در دانشگاه شهید بهشتی انجام داد، شانزده تن از استادان دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علم و صنعت نظریات خود را در مصاحبه‌هایی مرتبط با مسائل کارشناسی و کارشناسی ارشد معماری ابراز کردند.^۸ یکی از سوالات مطرح شده در مصاحبه‌ها انتظار استادان از توانایی و مهارت فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی معماری بدون توجه به محتوای برنامه و شیوه اجرای آن بود. ارائه نظریات آنها، که اتفاقاً بسیار نزدیک به هم بود، ممکن است منظره‌ای از توقعات راه، از فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی، نشان دهد و شاید در جهت گیری و اصلاح روش‌های اجرای این دوره در دانشگاه‌ها و دوره‌های تازه‌تأسیس مؤثر باشد.

آنچه در پی می‌آید جمع‌بندی نظریات آنها با استفاده از کلیدواژه‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌هاست که در زمینه‌های زیر دسته‌بندی شده است:

توانایی‌ها و ویژگی‌های مورد انتظار از فارغ‌التحصیل کارشناسی معماری

۱. دانش و اطلاعات

کارشناس معماری لازم است اطلاعات کلی و ضروری در زمینه مسائل فنی و ساختمانی مرتبط با ساختمان‌های معمول

۸. استادانی که با آنها مصاحبه شد عبارت‌اند از: دکتر بهمن ادیب زاده، دکتر ادیبی، دکتر غلامرضا اکرمی، دکتر عباسعلی ایزدی، دکتر شهرام پوردیپیمی، دکتر عیسی حجت، مهندس محمدعلی خان محمدی، دکتر محمود رازجویان، دکتر علی غفاری، دکتر امیر سعید محمودی، دکتر حمید ندیمی، دکتر هادی ندیمی، مهندس سیدحمید نقره‌کار، مهندس سید حمید نوحی، مهندس کامبیز نوایی، و مرحوم دکتر مصطفی سلیمی‌زاده (رک به: طرح پژوهشی ویژگی‌های دانشجوی مناسب کارشناسی ارشد معماری، زهرا طاقی، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی).
۹. دکتر هادی ندیمی.

و غیرپیچیده، در زمینه سیستم‌های سازه‌ای و همچنین از تاریخ معماری — چه تاریخ معماری ایرانی اسلامی و چه تاریخ معماری غربی — با تکیه بر مفاهیم کلیدی دوره‌های مختلف تاریخی و سبک‌های معماری داشته باشد.

۲. مهارت

کارشناس معماری باید بتواند با به‌کارگیری عاقلانه دانش خود یک معماری غیرپیچیده و کوچک را سالم و صحیح طراحی کند. بدین معنا که درک خوبی از عملکرد فضاها و روابط مابین آنها داشته باشد؛ ارتباط بنا را با محیط اجتماعی و فرهنگی آن بشناسد؛ به تأثیرات اقلیم، بستر زمین و همسایگی‌ها بر معماری توجه داشته باشد. مسائل سازه، تنظیم شرایط محیطی و جزئیات ساختمانی را در حد قابل قبول بشناسد و جواب دهد؛ و به طور خلاصه مسائل کمی و قابل تبیین را خوب درک کند و در طراحی به آن پاسخ گوید. ضعف در شناخت عمیق مسائل کیفی و مفهومی قابل اغماض است. به طور خلاصه، بنا به تعبیر یکی از استادان^۹ غلط دیکته‌ای نداشته باشد، غلط انشایی قابل قبول است.

۳. توانایی‌های جنبی

کارشناس معماری باید، در زمینه اجتماعی و مدیریتی، توان تعامل فکری و اجتماعی با دیگران را داشته باشد؛ بتواند افکار و اندیشه‌های خود را سازماندهی و به‌سادگی و روشنی بیان کند. همچنین قدرت مشارکت، همفکری و همکاری با دیگران را داشته باشد.

۴. اخلاق

کارشناس معماری لازم است ضمن داشتن صداقت، نظم و انضباط فکری و رفتاری، نسبت به کار و حرفه خود متعهد و مسئول باشد و اخلاق حرفه‌ای را رعایت کند. البته داشتن تعهد

عوامل مؤثر در محصول دوره کارشناسی معماری

محصول دوره کارشناسی به طور قطع نتیجه عوامل متعددی است. در این میان دو عامل مهم و تأثیرگذار عبارت است از: برنامه آموزشی و چگونگی اجرای برنامه.

برنامه دوره کارشناسی

برنامه‌ای که در حال حاضر در اکثر قریب به اتفاق دانشگاه‌های ایران اجرا می‌شود برنامه‌ای است که در آبان ماه ۱۳۷۷ تصویب شد و از مهر ماه ۱۳۷۸ با ورود اولین دوره کارشناسی معماری به اجرا در آمد.

در این برنامه در تعریف و هدف دوره کارشناسی چنین آمده است:

دوره کارشناسی مهندسی معماری دوره‌ای است حرفه‌ای که پرورش استعدادها، خلاقه، انتقال دانش‌ها و مهارت‌های عمومی حرفه معماری و حصول کارآیی عمومی در این رشته را هدف قرار می‌دهد.^{۱۱}

در این برنامه طول دوره کارشناسی، بدون احتساب نیم‌سال اول، حد اقل چهارساله تعریف شده است. نیم‌سال اول آن با عنوان پیش‌نیاز و با هدف آماده‌سازی دانشجو برای ورود به مباحث معماری و کسب مهارت‌های اولیه برای شروع این رشته در نظر گرفته شده، که با توجه به پذیرش دانشجویان این رشته از گروه فنی مهندسی و صرفاً با همان آزمون این گروه^{۱۲} و بدون آزمون اختصاصی بسیار ضروری است.

تقریباً همه درس‌های چهار سال اول دوره کارشناسی ارشد پیوسته در این برنامه وجود دارد. فقط بعضاً تعداد واحد آن‌ها کم شده یا بعضی از درس‌های هم‌نام پیوسته به هم مانند «انسان، طبیعت و معماری» یک و دو تبدیل به یک درس واحد شده است.

اخلاقی در اجرای کار برای هر فردی و در هر حرفه‌ای در دیدگاه عمومی ظاهراً امری روشن و بدیهی است، ولی متأسفانه اغلب کاملاً نادیده انگاشته می‌شود. شرایط نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز به بی‌معنا جلوه دادن و تاریک ماندن این جنبه شخصیتی فارغ‌التحصیل کمک می‌کند. به نظر می‌رسد این وجه از شخصیت کارشناس ظاهراً وجه صرفاً فردی او و کاملاً غیروابسته به دانشگاه محل تحصیل او باشد، در حالی که وجود ویژگی‌های مثبت یا منفی شخصیتی در آثار و نتایج اعمال هر فردی و در هر عرصه و حوزه‌ای منعکس می‌شود، و در مورد حرفه معماری آثار آن متوجه فرهنگ و معماری کشور و بسیار تعیین‌کننده است.

در مجموع به نظر می‌رسد توقع از فارغ‌التحصیل کارشناسی معماری این است که: دانش لازم در زمینه‌های مرتبط با طراحی معماری و مهارت کافی در طراحی صحیح و سالم ساختمان‌های کوچک و معمولی داشته باشد، ضمن آنکه واجد رشد اجتماعی کافی برای تعامل با دیگران باشد و اخلاق حرفه‌ای را رعایت کند. به تعبیر یکی از استادان^{۱۳} «ما در شرایط نخبه‌پروری نیستیم، باید در حد آدم‌های متوسط عاقل که قابلیت تجزیه و تحلیل مسائل را داشته باشند انتظار داشته باشیم.»

مسلم است که تحقق این انتظارات در میان دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها امری نسبی است. زیرا از یک سو لزوماً باور جمیع دست‌اندرکاران آموزش معماری در این دانشگاه‌ها و نیز توان عملی و انگیزه معنوی همه مدرسان در جهت تحقق این اهداف و انتظارات نیست، و از سوی دیگر تأثیر تفاوت‌های فردی و عوامل محیطی در میزان شکل‌گیری این انتظارات در فارغ‌التحصیلان نقش بسزایی دارد. اما شاید بتوان با رفع بعضی از موانع و ایجاد تمهیداتی نتیجه و محصول دوره را به آنچه مطلوب و مورد انتظار استادان و صاحب‌نظران آموزش معماری است نزدیک‌تر کرد.

۱۰. دکتر رازجویان.

۱۱. رک به: برنامه «دوره کارشناسی مهندسی معماری»، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۷۷.

۱۲. حذف آزمون اختصاصی معماری که تا سال ۱۳۷۱ در کنار آزمون فنی مهندسی از متقاضیان رشته معماری گرفته می‌شد از تغییراتی بود که از سال ۱۳۷۲ در گزینش دانشجویان معماری انجام شد.

دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه‌هایی که سابقه پذیرش دانشجویان در دوره کارشناسی ارشد پیوسته را نداشتند، دانشجویان خود را چهار ساله فارغ‌التحصیل می‌کنند، و این به معنای کوتاه کردن طول دوره به میزان بیش از ۱۱ درصد است.

ب) آثار تغییر طول دوره بر کیفیت آموزش

کسانی که با رشته معماری آشنایی دارند به‌خوبی با تفاوت‌های این رشته با رشته‌های دیگر فنی آشنا هستند. معماری رشته‌ای است که پایه در هنر و علوم انسانی و سری در فن و علوم فنی دارد، و چنین است که این رشته در بعضی از دانشگاه‌های دنیا در دانشکده‌های فنی قرار دارد و در بعضی دیگر در دانشکده‌های هنر. در ایران نیز در حالی که این رشته در دانشگاه تهران زیرمجموعه پردیس هنر است، یکی از رشته‌های دانشگاه علم و صنعت نیز محسوب می‌شود که دانشگاهی صرفاً فنی-مهندسی است. همین که این رشته سابقه دوره کارشناسی ارشد پیوسته دارد به‌تنهایی حکایت از تفاوت ماهوی این رشته با دیگر رشته‌ها دارد.

همچنان که اشاره شد در ابتدای این دوره، با هدف ایجاد مهارت‌های مورد نیاز برای تمرین‌های طراحی معماری، یک نیم‌سال به ارائه درس‌های پیش‌نیاز اختصاص داده شده است. وجود این نیم‌سال با توجه به آشنا نبودن با مبانی پایه آموزش معماری در دوره دبیرستان کاملاً ضروری است. زیرا متأسفانه در دوره دبیرستان و در شاخه ریاضی و فیزیک، که اکثر قریب به اتفاق دانشجویان گزینش شده رشته معماری فارغ‌التحصیل این شاخه هستند، کمترین نشانه‌ای از دروس و فعالیت‌های در جهت پرورش خلاقیت و نیز ایجاد و رشد مهارت‌های اولیه مورد نیاز این رشته وجود ندارد.^{۱۳}

بعد از نیم‌سال اول، دو نیم‌سال به دروس پایه‌ای اختصاص می‌یابد که مهارت‌های دانشجویان را ارتقا می‌دهد و زمینه را برای نیل به طراحی جامع آماده می‌سازد. این دو نیم‌سال را نیز

دروس عملی دوره پایه، که با نام‌های ترکیب یک تا سه و در سه نیم‌سال اول دوره کارشناسی ارشد پیوسته ارائه می‌شود، تبدیل به یک نیم‌سال پیش‌نیاز یا جبرانی و دو درس "مقدمات معماری یک" در نیم‌سال دوم و "مقدمات معماری دو" در نیم‌سال سوم شده است.

پنج درس کارگاهی طراحی معماری، که در چهار سال اول دوره پیوسته وجود داشت، حفظ شده، دو درس طراحی معماری ۶ و ۷ حذف، و به جای آنها طرح نهایی خاتمه‌دهنده دوره کارشناسی شده است.

نگاهی به این برنامه، گویای این نکته است که تدوین‌کنندگان، متشکل از استادان و صاحب‌نظران دانشکده‌های باسابقه معماری، تلاش کرده‌اند برنامه جدید را، تا حد امکان، با توجه به اهداف کلی تغییر دوره از کارشناسی ارشد پیوسته به کارشناسی و نگاه به برنامه دوره کارشناسی ارشد و تجارب پانزده ساله حاصل از اجرای آن تدوین کنند.

چگونگی اجرای برنامه

همانند هر برنامه‌ای محتوای برنامه یک امر است و اجرای آن امری دیگر. ارتباط بین برنامه و اجرای آن در همه عرصه‌ها و در مقوله برنامه‌ریزی اهمیت بسزایی دارد و می‌تواند در محتوای برنامه نیز تأثیر بگذارد. در این برنامه نیز میزان التزام دانشگاه‌ها به برنامه و نگرش و دانش و توانمندی مسئولان و مدرسان هر دانشکده، و نیز میزان امکانات و محدودیت‌های هر دانشگاه به لحاظ منابع مالی و علمی و انسانی، تأثیرات حتمی و قطعی خود را بر نتیجه برنامه می‌گذارد و تاکنون نیز گذاشته است. نکات زیر در مورد اجرای برنامه در دانشگاه‌ها قابل بررسی است:

الف) التزام دانشگاه‌ها در رعایت طول دوره کارشناسی

همچنان که اشاره شد طول این دوره اصولاً چهار سال و نیم یعنی ۹ نیم‌سال پیش‌بینی شده است. اما متأسفانه بسیاری از

۱۳. داستان بی‌توجهی به پرورش خلاقیت و استعدادهاى هنرى دانش‌آموزان در دوره آموزش عمومي، به‌ویژه در دوره دبیرستان، مقوله بسیار مهم و در خور توجه بسیار جدی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش است. در این رابطه شاید جالب باشد بدانیم که حدود ده سال است حتی درس انشا تنها فعالیت خلاقانه نوشتاری - از دروس دوره دبیرستان در شاخه‌هایی غیر از شاخه انسانی از جمله ریاضی و فیزیک حذف شده است!

۱۴. رک به: برنامه دوره کارشناسی مهندسی معماری مصوب آبان ۱۳۷۷.

اگر دانشجوی مستعدی بتواند با اخذ واحدهای بیشتر دروس دیگر خود را زودتر از موعد تعیین شده بگذراند باز هم به دلیل وجود درس محوری طراحی معماری نمی‌تواند همانند بعضی از رشته‌ها دوره را در زمانی کوتاه‌تر طی کند.

ممکن است استفاده از فرصت تابستان برای ارائه درس طراحی معماری مطرح شود. در این مورد باید گفت با توجه به کشیده شدن نیم‌سال دوم تا آخر تیر ماه و شروع ثبت نام در هفته آخر شهریور کل استفاده از فرصت تابستان در یک ماه و نیم خلاصه می‌شود که با عنایت به بحثی که در مورد طراحی معماری عنوان شد همچنان نقض غرض و هدف است.

در مجموع فشرده کردن دوره‌ای که چهار سال و نیمه تعریف شده، به معنای کم کردن محتوای برنامه و در نتیجه افت محصول نهایی یعنی فارغ‌التحصیل کارشناسی است. این موضوع بدون توجه به کیفیت و توانایی کلی نظام آموزشی در یک دانشگاه برای تقلیل کیفیت محصول نهایی عامل مهمی است.

بنابراین یکی از چالش‌های اجرای دوره کارشناسی کوتاه شدن دوره است که متولیان و دست‌اندرکاران مسؤل در وزارتخانه می‌باید به آن توجه کنند و به رفع آن اهتمام ورزند.

گفتنی است که دانشگاه‌های قدیمی و بزرگ کشور، هم‌چون دانشگاه‌های شهید بهشتی و تهران، همچنان دانشجویان خود را چهار سال و نیمه فارغ‌التحصیل می‌کنند. شاید این بدان جهت است که برنامه‌ریزان دوره کارشناسی اکثراً از این دانشگاه‌ها بوده‌اند و بیشتر به اجرای کامل برنامه التزام دارند. در دانشگاه‌های اشاره شده پروژه پایانی به عنوان نتیجه نهایی دوره کارشناسی با تأمل و کیفیت بهتری به انجام می‌رسد.

ج) قابلیت و توانایی کادر آموزشی دانشگاه‌ها

کوتاه کردن طول دوره تعریف شده برنامه در عمل و در بسیاری از دانشگاه‌ها، که تأثیرات منفی آن به اجمال بیان شد، تغییری

نمی‌توان کوتاه کرد. بعد از این دو نیم‌سال پنج درس طراحی معماری ارائه شده است. با نظری به برنامه دوره^{۱۴} مشخص می‌شود که طراحی معماری درس اصلی و محوری این رشته است. بینش ایجاد شده و دانش و مهارت اندوخته شده در دروس دیگر در این درس تبلور و تجلی می‌یابد. حاصل این درس، که تمرینی در طراحی پروژه معماری است، در فرایندی ویژه در طول زمان و با سیری خاص حاصل می‌شود. تجربه نشان داده است از آنجا که طراحی فی‌الواقع انتها ندارد، به خصوص برای دانشجویی که در حال کسب تجربه و مهارت است، یک نیم‌سال اگر مهلت حداقل نباشد طول زمانی مناسبی است. به علت ماهیت طراحی، که در آن هر ایده از شکل‌گیری اولیه تا تبدیل شدن به طرح معماری نیازمند پخته شدن است و فرایند این پخته شدن در درون دانشجوی اتفاق می‌افتد، حداقل بازه زمانی لازم را طلب می‌کند. اصولاً نتیجه آموزش همین سیری است که دانشجوی می‌کند و اهمیت آن به مراتب بیش از محصول درس است که پروژه انتهای نیم‌سال است. بنابراین، با توجه به نکات ذکر شده اگر به راستی اهداف و ماهیت این درس اصلی معماری را بشناسیم نمی‌توانیم این درس را فشرده کنیم و در زمانی کوتاه‌تر ارائه دهیم؛ یعنی مثلاً دو طراحی معماری در یک نیم‌سال ارائه شود.

آخرین پروژه دانشجویان تحت عنوان طرح نهایی پروژه‌ای است که برنامه‌ریزان به آن عنایت ویژه داشته‌اند. این طرح را، که آخرین تجربه طراحی دانشجویان در دوره کارشناسی است، طرح جامعی دیده‌اند که نتیجه و حاصل بینش، دانش و مهارت کسب شده در دروس مختلف کل دوره است و می‌باید با کیفیت مطلوب ارائه شود.

حال توجه کنیم اگر نیم‌سال پیش‌نیاز را نمی‌شود حذف کرد و اگر دو نیم‌سال دروس پایه نیز کوتاه‌شدنی نیست و در نهایت اگر صلاح نیست دو درس طراحی هم‌زمان در یک نیم‌سال ارائه شود، چگونه می‌توان دوره را کوتاه کرد؟ به یاد داشته باشیم

کمی و قابل ارزیابی است. اما شاید مهم‌تر از آن کیفیت آموزش دروس به‌خصوص دروس طراحی معماری باشد.

هر چند در زمانه‌ای به‌سر می‌بریم که اینترنت و دسترسی سریع و آسان و رو به تزاید به اطلاعات، امر آموزش را در بسیاری از حوزه‌ها دستخوش تحوّل جدی کرده است و در بسیاری از دروس و بسیاری از رشته‌های علمی که محتوای آنها بیشتر ارائه و انتقال اطلاعات است، نبود و کمبود یا کم‌توانی معلم از طریق آن جبران می‌شود، مسلماً این امر در حوزه‌ها و شاخه‌هایی از آموزش که در آن ارتباط رو در رو و گفت‌وگوی شاگرد و استاد از ارکان اصلی آموزش است، به‌هیچ‌وجه جوابگو نیست.

در رشته معماری در پاره‌ای از دروس نظری کمبودها و کاستی‌ها را در زمینه قابلیت و توانایی علمی و آموزشی استاد از طریق کسب اطلاعات از اینترنت می‌توان جبران کرد. اما در بعضی از دروس این امر به‌هیچ‌وجه عملی نیست؛ مهم‌ترین آنها نیز درس محوری طراحی معماری است.

فرایند پیچیده طراحی، آموزش آن را نیز سخت و دشوار کرده است. طراحی حاصل کنش و واکنشی است که در درون و بیرون فرد رخ می‌دهد و طی آن دانش و بینش طراح با کمک مهارتی که در همین فرایند ارتقا می‌یابد تبدیل به نتیجه‌ای می‌شود به نام طرح، و در حوزه معماری طرح معماری. نقش اصلی استاد در این امر همراهی و کمک به دانشجوی در این مسیر است. مسیری که بخش عمده آن در درون دانشجو اتفاق می‌افتد و طی آن در کنار ارتقای دانش او امر مهم‌تر ارتقای بینش و مهارت هم رخ می‌نماید. مسیری با پیچ‌وخم‌های ناشناخته و شدیداً فردی و اختصاصی. تنها یک معلم مجرب قادر است که با کمک هزارویک فوتی که در فن آموزش اندوخته، هر دانشجو را با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، روانی و ذهنی منحصر به فرد او هدایت کند تا مسیر پرپیچ‌وخم طراحی را طی کند و به نتیجه مطلوب برسد.

با راه‌اندازی روبه‌افزایش رشته معماری در دانشگاه‌های

مختلف در اقصا نقاط کشور، بیش و پیش از هر چیز به استادان باتجربه نیاز داریم؛ استنادی که بتوانند با توجه به ویژگی این رشته، به‌خصوص در حوزه دروس طراحی معماری، از عهده ارائه درس، که جنبه‌های آموزشی آن در واقع فرع بر جنبه‌های پرورشی آن است، برآیند. اما آنچه اتفاق افتاده و می‌افتد آن است که دانشگاه‌ها معمولاً در بهترین حالت از جوانان مستعد تازه‌فارغ‌التحصیل استفاده می‌کنند که بلافاصله با اتمام کارشناسی ارشد معماری به کار آموزش در حوزه طراحی معماری گماشته می‌شوند. افرادی که متأسفانه اغلب هیچ‌گونه تجربه‌ای در همکاری آموزشی و دستیاری یک استاد مجرب نداشته‌اند و صرفاً در حد دانشجو و در تجربه فردی خود به کار طراحی پرداخته‌اند.

شایان ذکر است که ظاهراً وزارت علوم مجوز تأسیس این رشته را در دانشگاه‌های دولتی فقط در صورت کسب حمایت علمی از دانشگاهی معتبر داده و می‌دهد. در سال‌های گذشته بعضی از دانشگاه‌ها مدبرانه این مجوز را محملی برای استفاده بهینه از امکانات و تجارب هیئت علمی دانشگاه حمایت‌کننده قرار داده و بهترین استفاده را در جهت تربیت نیروی انسانی خود کرده‌اند.^{۱۵}

اما متأسفانه بعضی از دانشگاه‌ها از این حمایت به‌خوبی استفاده نکرده و با استقلال زودرس از توانمندی لازم برخوردار نشده‌اند. پاره‌ای از دانشگاه‌ها هم که اصولاً بدون پشتوانه کافی اقدام به راه‌اندازی دوره کرده‌اند، با کیفیتی نازل به کار آموزش معماری مشغول‌اند.

به هر صورت توسعه کمی رشته و خارج کردن آن از یک رشته کشوری به رشته‌ای منطقه‌ای و استانی ممکن است از برخی جنبه‌ها مفید فایده باشد، اما کم‌توجهی به کیفیت آموزش رشته و تربیت عجولانه مهندسانی که در یک دوره کوتاه‌شده و با کیفیتی نه‌چندان مطلوب آموزش می‌بینند و لاجرم وارد بازار کار می‌شوند حاصلی جز بی‌کیفیت کردن فضاهای زیست

۱۵. نمونه آن دانشگاه یزد است که سال‌ها از حمایت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی برخوردار بود و در حال حاضر که به لحاظ علمی تقریباً به استقلال رسیده است، از هیئت علمی تربیت‌شده‌ای برخوردار است که تجربه دستیاری استادان مجرب را پشتوانه کار خود دارد. یا دانشکده معماری دانشگاه پردیس اصفهان که از حمایت‌های علمی دانشگاه تهران و تا حدودی دانشگاه شهید بهشتی برخوردار بوده است.

رشته به رشته‌ای استانی تبدیل خواهد شد که از جهاتی با توجه به اقبال روزافزون جوانان به تحصیلات دانشگاهی مثبت است. اما این رشد که متأسفانه در قالب برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه آموزشی نبوده است، افت کیفیت محصول دوره را به دنبال خواهد داشت که نه تنها در رفع بحران هویت و ارتقای کیفیت معماری در سطح کشور مؤثر نخواهد بود، بلکه به نحوی به آن دامن خواهد زد.

اهداف این دوره از منظر برنامه‌ریزان و نیز انتظارات دست‌اندرکاران آموزش این رشته در کلیات روشن است. هر دانشکده‌ای، اعم از دانشکده‌های پرسابقه و نوپا، باید با ارزیابی مستمر عملکرد خود و شناخت توانایی دانش‌آموختگان و بررسی کمبودها و ضعف‌ها حرکت مستمری در جهت دستیابی به انتظارات مطرح‌شده داشته باشد. اما در حال حاضر، با توجه به نکات مطرح‌شده، نهادهای ذی‌ربط می‌توانند با وضع مقرراتی در جهت حفظ حداقل کیفیت در محصول این دوره در دانشکده‌های نوپا نقش داشته باشند که از جمله می‌توان موارد زیر را نام برد:

- همه دانشگاه‌ها ملزم به رعایت طول دوره تعیین‌شده در برنامه باشند، و آن را کوتاه‌تر از طول تعیین‌شده در برنامه نکنند.
- دانشگاه‌هایی که تازه به تأسیس این رشته اقدام کرده‌اند مدرسان جوان خود را برای کسب تجربه آموزشی برای مدت زمانی مثلاً حداقل دو نیم‌سال به عنوان دستیار به دانشگاه‌های باسابقه بفرستند.

- دانشجویان دوره دکترا، که تمایل به تدریس معماری و به‌ویژه درس طراحی معماری دارند، حتماً در دانشگاهی که به تحصیل اشتغال دارند دوره دستیاری را در کنار استادان باتجربه آن دانشگاه طی کنند.

- روشن است که این اقدامات قدم‌های کوچکی برای حفظ حداقل‌ها در محصول دوره کارشناسی است و گرنه برون‌رفت از بحران هویت معماری و اوضاع نابسامان ساخت‌وساز در کشور مستلزم تحولاتی بنیادین در زمینه‌های متعددی از جمله

انسانی و آشفته‌تر کردن سیمای شهرها در بافت‌های نوساز نخواهد داشت. امری که پیش‌تر به دست مهندسان عمران و بسازوبفروش‌ها انجام می‌شد بعد از این با دخالت و دست مهندسان معمار انجام خواهد گرفت.

بنا بر آنچه گذشت، دومین چالش مهم در راه اجرای برنامه آموزشی کارشناسی معماری موضوع تأمین کادر آموزشی به قدر کفایت تربیت‌شده برای دانشگاه‌هایی است که در ارائه این رشته نوپا هستند.

نبود یا کمبود امکانات آموزشی

نبود یا نامناسبی فضا و کمبود امکانات کمک آموزشی مانند کتابخانه و تجهیزات سمعی و بصری، در بعضی از دانشگاه‌هایی که تازه اقدام به تأسیس این رشته کرده‌اند، خود بر نتیجه و محصول آموزش تأثیر می‌گذارد، که البته تأثیر آن با توجه به جبران آن از طریق امکانات فردی دانشجو خفیف‌تر و رفع آن آسان‌تر است.

به طور کلی اینترنت و امکان دسترسی دانشجویان به منابع اطلاعاتی می‌تواند تا حدودی کمبود منابع کتابخانه‌ای را در دانشگاه‌ها برطرف کند و نیز می‌تواند بر درس‌های نظری دانشگاه‌ها و به‌روز شدن دانش مدرسان این‌گونه دروس و نیز جبران ضعف‌های احتمالی استادان اثر بگذارد. اما آنچه به‌آسانی جبران‌پذیر نیست همان کیفیت آموزش طراحی معماری یعنی کنش ایجاد بینش و مهارت در دانشجویان است که بیشتر از جنس پرورشی است و فقط در رویارویی مستقیم دانشجو با استاد و همراهی عملی استاد با او تحقق می‌یابد.

سخن آخر

توسعه کمی رشته معماری در دوره کارشناسی در شش هفت سال گذشته این رشته را از رشته‌ای کشوری به رشته‌ای منطقه‌ای بدل کرده است. با روند طی‌شده احتمالاً در آینده‌ای نزدیک این

آموزش است که امید است اندیشمندان و دلسوزان فرهنگی و آموزشی کشور، هم در زمینه مباحث نظری و هم در جهت تبدیل یافته‌های نظری به راهکارهای عملی مؤثر در ایجاد تغییرات، گام‌های جدی‌تری بردارند.

کتاب‌نامه

- دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۳۸۶، گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی و گروه‌های آزمایشی هنر و زبان‌های خارجی.
- برنامه مصوب دوره کارشناسی مهندسی معماری شورای عالی برنامه‌ریزی گروه هنر مصوب ۱۳۷۷.
- طاقی، زهرا. ویژگی‌های دانشجوی مناسب کارشناسی ارشد معماری، طرح پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.